

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ سپتمبر ۲۰۲۲

## "سیا" با "بدیل سازی" در جهت تصحیح یک اشتباه!

سه شنبه - ۲۹ سنبله ۱۴۰۱ - کابل: همان طوری که اکثریت قلم به دستان، اهل رسانه ها و فعالان سیاسی اطلاع دارند، در هفته ای که گذشت به دعوت یکی از شاخک های "سیا" در اتریش، کنفرانسی مرکب از افراد و شخصیت های نسبتاً معروف بی صلاحیت افغان و کسانی که تازه قد بلند می کنند دایر گردید که در آن راجع به اوضاع افغانستان بحث نموده، قطعنامه ای را در زمینه صادر نمودند. از آن جایی که به ارتباط ترکیب کنفرانس و محتوای قطعنامه آن طی دو روز گذشته بحث هائی صورت گرفته، در اینجا نمی خواهم با تکرار آنها وقت گرانهای شما و خودم را ضایع بسازم، در عوض خواهم کوشید تا در مورد انگیزه چنین کنفرانسی که یقیناً در جاهای دیگر و احتمالاً با ترکیبات دیگری نیز تکرار خواهد شد، چیزی گفته و یا نوشته نشده، برداشت خودم را با شما در میان گذارم:

۱- نخست از همه جهت بیشتر مطلب باید بنگارم: دنیای سرمایه در کل به مانند زنجیری است که حلقات آن ضمن حدود و ثغور معین هر حلقه، وقتی به زنجیر وصل شد، ناگزیر است حرکاتش را در تمام ابعاد تابع حرکت کلی زنجیر بسازد. این اصل اگر تا دیروز مطلقاً به اثبات نرسیده بود، جنگ روسیه با ناتو در اوکراین واضح نشان داد که هیچ یک از حلقات زنجیر نه حق دارند و نه هم می توانند، خلاف حرکت کل زنجیر، حرکتی را آغاز نمایند.

با حرکت از همین منظر باید بیفزائیم: با تمام سروصدا هائی که کشوری مانند اتریش راجع به بیطرفی اش به راه انداخته و می اندازد، تجربه نشان داده است که آن کشور چیزی بیشتر از قدامه لشکر امپریالیسم امریکا و ناتو نمی باشد. به ارتباط با افغانستان این حقیقت را نه تنها موجودیت "کمیتة اتریش" در زمان اشغال افغانستان به وسیله شوروی اشغالگر در پاکستان جهت پراکنده ساختن و اضمحلال نیروهای چپ و انقلابی به نفع امپریالیسم و ارتجاع هار مذهبی به اثبات رسانیده است، بلکه در ده ها مورد دیگر نقش دولت آن کشور و نهاد های به اصطلاح "مستقل" حقوق بشری در آن کشور در قبال جنبش های آزادیبخش و مترقی در سطح جهان ثبت کتیبه خارائین تاریخ نموده است.

هرگاه خواسته باشیم واضحتر بیان داریم می باید بیفزائیم: "سیا" در طول تاریخ بارها از طریق دولت اتریش و یا نهاد های فعال ظاهراً مستقل و غیر دولتی در آن کشور، اهداف خود را تعقیب نموده است.

۲- هرگاه یادداشت های مختصر این قلم معنون به "زمینه سازی ها برای آوردن مجدد طالب" را که همین چندی قبل در ۹ قسمت در همینجا به نشر رسید به خاطر داشته باشید، در یکی از قسمت های آن سلسله، به صراحت نوشتیم که "سیا" جهت روی کار آوردن مجدد طالب، ضمن سایر زمینه سازی ها، بدیل های احتمالی و بالقوه طالب را با اغوا، رشوت و

فساد چنان از بین برد که هیچ گاهی قادر نشوند از موضع مورد قبول توده های میلیونی کشور، درفش مبارزه علیه طالب را بر افرازند.

تا جایی که دیده می شود "سیا" اکنون متوجه شده است که آن سیاستش غلط و عاری از دور اندیشی استعماری بوده است. مطالعه عملکرد استعمار حداقل در کشور خود ما واضح نشان می دهد که استعمار هیچ گاهی تمام تخمهایش را سبب یک نوکرش هر قدر هم وفادار بوده نگذاشته است، یعنی به همان سان که برای انقیاد کامل شاه شجاع، امیردوست محمد خان را در آستین نگه داشته است برای تابع نگه داشتن دوست محمد خان، به علاوه اولاده شاه شجاع، برادران خودش را، برای تابع نگه داشتن شیرعلیخان، افضل خان و اعظم خان و همین قسم حتا روسها با حفظ دونوکر خلقی و پرچمی، همیشه کوشیده اند به منظور منقاد و تابع نگه داشتن نوکر بر سر اقتدارشان، یک و یا چند رقیبش را نزد خود نگه دارند تا نه تنها به مثابه تهدید بالقوه، بلکه حین ضرورت به مثابه جانشین بالفعل از آنها استفاده نمایند.

تجارب تاریخی ۲۰ سال اخیر در کشور نشان می دهد که امپریالیسم امریکا و شرکاء چنان غرق در تخیل همکاری با طالب بودند و بر آنها اعتماد داشتند که آن اصل کلی استعماری را مطلقاً فراموش نموده، طی ۲۰ سال تا توانستند تمام بدیل های بالقوه و احتمالی کوتاه مدت و حتا دراز مدت طالب را از صحنه بیرون نمودند. آنها فکر می کردند و امیدوار بودند که در موجودیت تضاد های درونی طالب در وجود باند های "درانی" و "غلجائی"، طالب را کل تحت کنترل نگه دارند و نیاز به بدیل دیگری ندارند.

۳- تجارب یکسال حاکمیت بلامنازع طالب بر افغانستان و غلبه این باند در کل بر تضاد های درونی اش، اکنون امپریالیسم امریکا و به ویژه "سیا" را متوجه ساخته است که سیاست آنها در قبال زدودن و نابود سازی بدیل های قدرت طالب در اساس اشتباه بوده و نبود یک بدیل مقتدر به طالب امکان داده است تا اسب خود را به هر سمتی که دلش بخواهد جولان دهد.

با درک اشتباه، اینک "سیا" بدین فکر افتاده تا پایه ها و زمینه های ایجاد یک بدیل قدرت علیه طالب را بنیان گذارد، به نظر من کنفرانس اتریش، فقط تلاش نیست از جانب "سیا" جهت ایجاد یک بدیل.

و اما این که این نهاد با همین ترکیب را "سیا" می خواهد به مثابه بدیل قدرت طالب و نظام ملاسالار ارتقاء دهد و یا این که از آنها صرف به منظور "بچه ترسانک" طالب استفاده می نماید و یا در بعد ها با آوردن گرگ های باران دیده و قره نوکرهای نامدارش در ترکیب کنفرانس کنونی فشارش را بر طالب می افزاید نکاتی اند که آینده پاسخ آن را خواهد داد. هموطنان گرامی!

فکر نمی کنم در تمام کشور به جز تعداد معدودی که حیات و ممانت شان به ادامه حاکمیت طالب و نظام ملاسالار بسته است، کس و یا کسان دیگری را یافت که خواهان تغییر اوضاع و پشت سر گذاشتن این روز های تاریک و دهشتناک در کشور نباشد، باز هم فکر نمی کنم کسی را بتوان پیدا کرد که به اهمیت اتحاد و وحدت مردم علیه طالب و نظام ملاسالار پی نبرده باشد و نداند که پیروزی برطالب بدون وحدت مردم ممکن نیست؛ مگر این مسلمات نباید چنان تعبیر گردد که می توان با هرکسی دست دوستی و اتحاد داد.

این را بدانیم که عدم توجه حین انتخاب دوست و همراه نه تنها ما را به پیروزی نمی رساند، بلکه در ذات خودش هسته های نفاق و شقاق دیگری را به وجود می آورد. به خصوص سرمه های آزموده را نباید باز هم به کار برد.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**